

داستان

تأثیر شعر و داستان در تدریس زبان عربی

شیما سادات منصوری

دبیر مناطق پردیس، رودهن و دماوند

اشاره

چرا در میان دروس مختلف متوسطه و دانشگاهی درس عربی مهجور مانده و دانش آموزان و دانشجویان اشتیاقی به آن نشان نمی‌دهند؟ به عبارت دیگر، چرا یادگیری قواعد عربی برای دانش آموزان بسیار دشوار می‌نماید؟

این ضعف تا جایی است که در نظام جدید آموزش و پرورش بیشتر به مقوله ترجمه توجه شده و تا حد زیادی از پرداختن به قواعد صرف نظر گردیده است.

در دانشگاه‌ها نیز وضعیت از این بهتر نیست. دانشجویان رشته‌های حقوق، ادبیات، معارف و ... با درس عربی با بی‌میلی روبه‌رو می‌شوند و انگیزه کافی برای فراگیری آن ندارند.

آیا زمان آن نرسیده که به جای مقصر دانستن دانش آموز و دانشجو و فرهنگ و سیاست کشور، اندکی، شیوه تدریس را مورد نقد و بررسی قرار دهیم؟

در همین راستا بر آن شدم تجربه‌های شخصی خود را برای استفاده سایر دبیران عزیز در اختیار مجله رشد معارف قرار دهم؛ شاید سودمند واقع شود.

نخست مروری داریم به هنر در ادبیات. همان‌طور که می‌دانید، هنر همیشه یک گام جلوتر از علم است و هنگامی که این دو با یکدیگر تلفیق شوند، نتیجه و تأثیرگذاری دو چندان خواهند داشت. یکی از انواع هنر موسیقی است. موسیقی، به معنای عام این کلمه، در واقع فنی است که خداوند تبارک و تعالی در بیان آیات شریفه قرآن کریم از آن بهره برده، زیرا تقریباً بیشتر آیات این کتاب آسمانی آهنگین است؛ البته ما این آهنگ و توازن را فراتر از هنر و از معجزات لفظی قرآن به شمار می‌آوریم. بر این اساس، در یک کلام می‌توان گفت که خداوند منان خود بزرگ‌ترین هنرمند است: «هوالفنان» (رک سایت دیوان العرب، مقاله تخصصی «موسیقی المباحه فی الاسلام» و «عربی زبان دین ماست» سایت الريحانه) این فن مورد توجه ابن مالک قرار گرفت و او تمام قواعد زبان عربی را به شعر درآورد. سپس نحویون شرح‌های گوناگونی بر آن نوشتند؛ از جمله شرح سیوطی که آن زمان مورد توجه طلاب و زبان‌آموزان بسیاری قرار گرفت. این نوآوری، تحولی چشمگیر در تدریس قواعد

عربی، به خصوص در دبیرستان، به وجود آورد. یکی از مدرسان خوش ذوق در دبیرستان پسرانه برای یادگیری أبواب مزید از شعر و موسیقی و همچنین ضرب آهنگ ذف استفاده نمود، و این کار نه تنها درس عربی را برای دانش آموزان شیرین تر کرد بلکه در ساعات تدریس لبخند را بر لبان آن‌ها می‌نشانَد و آن‌ها با علاقه و اشتیاق هر چه تمام‌تر در کلاس حاضر می‌شدند. پس از آن بسیاری از همکاران از این روش استفاده کرده و نتیجه خوبی هم گرفتند.

به عنوان مثال، من برای تدریس حروف ناصبه بر سر فعل مضارع از این شعر استفاده می‌کنم:

أَن و لَن و كَي و إِذَن (اذا)

حتی و ل بر سر فعل فتحه بزن

مَش ممدعلی زنگ و بزن

البته دانش آموزان ابتدا با شوخی و خنده با آن برخورد می‌کنند؛ اما بدون آنکه متوجه شوند قواعد عربی در ضمیر آن‌ها نقش می‌بندد. آیا ما هدفی غیر از این داریم؟!

و باز به‌عنوان مثال، برای تدریس حروف شرط و جازمه، که بخشی از آن هنوز در کتاب یازدهم، توضیح داده شده است، از این شعر استفاده می‌شود:

إِن و مَن و مَا اینما

لَم و لَمَا

لَا مَر و لَاءَ نَهِي

حروف جزمند حَبِيب

دانش آموزان پس از چند بار دست زدن و تکرار شعر و به دنبال آن حفظ اشعار بالا، کاملاً یاد می‌گیرند که مصرع اول جزء حروف شرط، و جازم دو فعل شرط و جواب شرط می‌باشد. بدیهی است اگر این قواعد به شکل کلیشه‌ای و دستوری و جزوه‌وار گفته شود، هرگز به این سادگی و شیرینی مورد توجه و یادگیری دانش آموز قرار نمی‌گیرد و طبیعی است سخنی که بر جان نشیند به سادگی از خاطر رخت بر نمی‌بندد.

مطلب دیگری که باید مورد توجه همکاران فرهیخته قرار گیرد، توجه به فن داستان‌گویی است. به‌عنوان مثال، درس اول از کتاب یازدهم را که در مورد بعضی مضامین اخلاقی بوده و در قرآن نیز به آن اشاره شده است، می‌توان با چند داستان و روایت کوتاه آغاز کرد (مثلاً در مورد غیبت، قصه یا کلیپ آموزشی پخش شود). کوتاه سخن اینکه یک مدرس خوب همیشه باید ذهنش پر از داستان و حکایت باشد و پس از اینکه دانش آموز و دانشجو را شیفته کلام خود کرد، درس را هنرمندانه در ذهن او ترسیم خواهد کرد.

این درست همان چیزی است که در قرآن کریم به درستی از آن استفاده شده و ما شاهد داستان‌های اندرزگونه در این کتاب مقدس هستیم.

در پایان، توصیه می‌شود به جای سختگیری‌های بی‌مورد در راستای یادگیری، قرآن را سرلوحه تدریس و به دنبال آن سرلوحه تمام زندگی قرار دهیم و از زاویه‌ای دیگر به شیوه‌های تدریس بپردازیم تا به برکت قرآن کریم به نتایج بهتری نیز دست یابیم.